الشهرت مشبه به را در وجه شبه نه اتمیت وجه شبه را در مشبه به بلکه غرض سوم
که بیان حال مشبه است گفته اند که وجه شبه در مشبه به لازم است بیان مقدار باشد که در
مشبه است زیرا که وی ناقص تا تشبیه مقبول تر باشد و غرض چهارم از تشبیه تقریر حال
مشبه است و تقویت شان اوست چنانکه تشبیه دهند شخصی را که سعی او برای مطلوب
بی فایده است بشخصی که نقش کند بر آب چون در مشبه به عدم فایده محسوس است
پس این تشبیه مفید تقریر حال مشبه است در عدم فایده و همین غرض چهارم مقتضی است
هم الشهرت مشبه به را در وجه شبه هم اتمیت وجه شبه را در مشبه به و بهر یکی از سه غرض
دیگر که تزیین و تحسین مشبه است در چشم سامع یا تشویه و تقبیح اوست در آن چشم یا
استطراف اوست مقتضی نیست نه آن الشهرت را و نه آن اتمیت را و گاه
غرض از تشبیه عاید است بسوی مشبه به و این دو قسم است اول ایهام اتمیت مشبه به
است در وجه شبه از مشبه و این در تشبیه مقلوب است مانند قول محمد بن وهیب
وبدا الصباح کان غرته وجه الخلیفة حین یمتدح در این تشبیه ایهام است که روی
پادشاه وقت مدح اتم است در وضوح و ضیا از صباح و قسم دوم بیان اهتمام است
بمشبه به چنانکه گرسنه تشبیه کند روی محبوب را در اشراق و استدارت بگرده نان و سیع
این قسم دوم باظهار مطلوب باید دانست که سوال مشهور در کما صلیت و کما بارکت آنست
که از تشبیه مذکور لازم می آید که صلوة و برکت که بر حضرت سید المرسلین و بر آل آنحضرت
ضعیف و ناقص باشد از آن صلوة و برکت که بر حضرت ابراهیم است و بر آل حضرت
ابراهیم برای آنکه وجه شبه در مشبه به اقوی و اتم می باشد از مشبه و جواب آنست که چون
صلوة و برکت بر حضرت ابراهیم و بر آل او متعارف است و مشهور بین الانام پس صلوة
و برکت را که بر سید المرسلین محمد و بر آل محمد مطلوب است تشبیه گردانیده شد بآن صلوة
و برکت

و برکت

و برکت مشهوره و اتمیت و اکملیت وجه شبه در مشبه به لازم نیست چنانکه از سخن مرقوم واضح
شده است که از اغراض سبعه غائیه تشبیه سه غرض است الشهرت مشبه به را در وجه شبه و غرض
اول مقتضی هم
چهارم که تقریر حال مشبه است مقتضی است آن الشهرت را و اتمیت وجه شبه را در مشبه به
و سه غرض دیگر مقتضی نیست اصلا نه آن الشهرت را و نه آن اتمیت را و جوابهای دیگر
از علمای فحول منقولست تیمنا و تبرکا باید نوشت جواب دوم آنکه امام نووی فرموده است
که بهترین جوابها جوابیست که منسوب است بسوی امام شافعی رحمه الله که اینجا تشبیه اصل
صلوة است باصل صلوة نه تشبیه مقدار صلوة است بمقدار پس رواست که مقدار مشبه اتم
و اکمل باشد از مقدار مشبه به چنانکه در قول حق تعالی گفته اند انا اوحینا الیک کما اوحینا
الی نوح که تشبیه در اصل وحی است نه در مقدار وحی جواب سوم آنکه شیخ صفی الدین حسینی
استاد مولانا جلال الدین دوانی گفته است که معنی این حدیث آنست که بزرگی و احترام
سید المرسلین محمد را و آل محمد را بر جمیع انبیا که سابق اند بر آن حضرت درست نیست که
حضرت ابراهیم نیز داخل انبیاء سابق است چنانکه بزرگی داشته حضرت ابراهیم و آل
او را بر جمیع انبیا که سابق اند بر حضرت ابراهیم پس وجه تشبیه بودن هر یک از صلوتین
است افضل از آن صلوة که بر سابقانست پس اکملیت در فضلیت صلوة بر سید المرسلین
محمد و بر آل محمد از همین تشبیه مستفاد است و مولانا جلال الدین دوانی در رساله خود نوشته
که استاد من شفاهة این جواب با من گفته است پس از آن تعریف این جواب نوشته
هذا وجه رشیق دقیق انیق بعد از آن مولانا مذکور بر همین توجیه بحث کرده است که این
توجیه مقتضی است که صلوة بر آل محمد صلی الله علیه و سلم افضل باشد از صلوة که بر آل ابراهیم است
با آنکه در آل ابراهیم انبیا است پس تفضیل آل محمد بر انبیا لازم می آید و این نارواست
و جواب دوانی است که لزوم مذکور ممنوع است بر آنکه مراد تفضیل مجموع است که صلوة

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)